

فلسفه کاهش دوره‌های تحصیلی در آموزش عالی: تحلیلی نظام‌مند از ابعاد آموزشی، اقتصادی و سیاستی

احمد شعبانی

دانشکده شیمی دانشگاه شهید بهشتی، تهران و عضو پیوسته شاخه شیمی فرهنگستان علوم

a-shaabani@sbu.ac.ir

نامه علوم پایه شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

چکیده

در سال‌های اخیر، کاهش طول دوره‌های تحصیلی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به‌عنوان یکی از روندهای جهانی در نظام‌های آموزش عالی مطرح شده است. این تحول تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل از جمله تحولات بازار کار، الزامات عدالت آموزشی، ملاحظات اقتصادی، ظهور فناوری‌های نوین از جمله هوش مصنوعی، نیاز به همسویی با استانداردهای بین‌المللی و گذار از آموزش مدرک‌محور به آموزش مهارت‌محور شکل گرفته است. در این مقاله، موضوع کاهش طول دوره‌های تحصیلی با رویکردی تحلیلی - سیاستی بررسی شده و فلسفه این کاهش از پنج بُعد کلیدی آموزشی، پژوهشی، اقتصادی، اجتماعی و سیاستی مورد واکاوی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در شرایط محدودیت منابع ملی و تشدید فشارهای اقتصادی، کاهش طول دوره‌های تحصیلی، در صورت حفظ و ارتقای کیفیت آموزشی، می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در تحقق عدالت آموزشی عمل کند؛ به‌گونه‌ای که با کاهش مدت زمان تحصیل، امکان افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان بدون دریافت شهریه فراهم شده و فشار اقتصادی بر خانوارها کاهش می‌یابد. با این حال، موفقیت اجرای این سیاست مستلزم بازنگری بنیادین در برنامه‌های درسی، حذف دروس تکراری و غیرضروری، و ایجاد هماهنگی سامانه‌ای و یکپارچه میان مقاطع آموزش عمومی و آموزش عالی است. این پژوهش با تأکید بر ضرورت تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد، در پی فراهم‌سازی زمینه گفت‌وگوی تخصصی میان صاحب‌نظران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزش عالی بوده و با هدف کمک به طراحی و تدوین سیاست‌های کارآمد کاهش طول دوره‌های تحصیلی در نظام آموزش عالی ایران تدوین و ارائه شده است.

کلید واژگان: آموزش عالی، بازنگری برنامه درسی، برنامه‌ریزی درسی، دوره تحصیلی، عدالت آموزشی، فناوری‌های آموزشی، مهارت‌محوری

۱. پیش‌گفتار

در ایران، تاریخچه اصلاحات آموزشی نشان‌دهنده‌ی دو رویکرد ناهمگون است: اولاً، تغییرات در نظام آموزش و پرورش اغلب بدون توجه کافی به پیوند آن با آموزش عالی انجام شده است؛ و ثانیاً، بازنگری‌های برنامه‌ای در دانشگاه‌ها گاهی بدون در نظر گرفتن ساختار آموزش عمومی صورت گرفته است. از این رو، انتظار می‌رود هرگونه تحول و اصلاح در دوره‌های دانشگاهی، در تعامل نزدیک، هماهنگ و هم‌افزا با نظام آموزشی و محتوای درسی مقاطع آموزش عمومی طراحی و اجرا شود. این مقاله با هدف تحلیل فلسفه کاهش دوره‌های تحصیلی و ارائه چارچوبی عملیاتی برای اجرای آن در ایران، به بررسی نظام‌مند ابعاد مختلف این سیاست می‌پردازد.

۲- ضرورت بازنگری پیش از کاهش دوره تحصیلی

قبل از اجرای کاهش دوره‌های آموزشی، ضروری است ابتدا بازنگری برنامه‌ها و مواد درسی انجام شود و سپس طول دوره‌ها بر اساس اهداف و نتایج بازنگری مورد بررسی و تعیین شود. با توجه به اینکه سیاست کلی پذیرش دانشجو در آموزش عالی کشور در

ساختار نظام‌های آموزشی در سطح جهانی تنوع چشمگیری دارد؛ این تنوع نه‌تنها بین کشورها، بلکه در برخی موارد در درون یک کشور (بین استان‌ها یا مؤسسات آموزشی) نیز مشاهده می‌شود. تفاوت‌های ساختاری این نظام‌ها ریشه در اهداف آموزشی، طول دوره‌های تحصیلی، و نوع رشته‌های ارائه‌شده دارد (۱). در این چارچوب، هرگونه سیاست‌گذاری در حوزه کاهش طول دوره‌های دانشگاهی مستلزم دو شرط اساسی است: اول، نگاهی سامانه‌ای به کل نظام آموزشی از دوره ابتدایی تا تحصیلات تکمیلی؛ و دوم، بازنگری هماهنگ در برنامه‌ها و محتوای درسی در تمام مقاطع. تمرکز انحصاری بر یک مقطع تحصیلی (مانند کارشناسی) بدون توجه به پیوندهای آن با مقاطع پیشین و پسین، نوعی نگاه جزیره‌ای محسوب می‌شود که اجرای مؤثر سیاست‌ها را با چالش مواجه می‌سازد. افزون بر این، الگوگیری از تجربه سایر کشورها تنها در صورتی اثربخش خواهد بود که مبتنی بر شناخت عمیق و جامع از نظام آموزشی، ساختار برنامه‌های درسی و الزامات بومی آن کشورها انجام شود.

برنامه‌های افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها به منظور غلبه بر حل مسائل و چالش‌ها در اولویت هر کشوری قرار دارد. کما اینکه وضعیت نامتوازن در حوزه‌های مختلف از قبیل آب سالم، هوای پاک، انرژی پاک، بهداشت و درمان (دارو و ...)، امنیت غذایی، آموزش برای همگان و ... که بخشی از اصول هفده‌گانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۱ است (۴ و ۳)، در اغلب کشورها با آسیب‌های جدی مواجه شده است. در سال‌های اخیر، در ایران نیز به دلیل کاهش و محدودیت منابع، آسیب‌های برخی از این اهداف از قبیل هوای پاک، آب سالم، انرژی پاک و ... تشدید شده و کم‌کم تبدیل به چالش و بحران می‌شود. در حوزه آموزش نیز، تحصیل در مدارس غیرانتفاعی و دانشگاه‌های غیر انتفاعی هزینه‌های سرسام‌آوری به خانواده‌ها تحمیل می‌کند، با اطمینان می‌شود اذعان کرد از جمله عوامل موثر در کاهش نرخ رشد جمعیت و آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شود.

۴- تعداد دانشجویان شاغل بدون پرداخت شهریه در کشور

در حال حاضر، تعداد کل دانشجویان وزارت عتف در ایران در سال ۱۴۰۲ حدود ۳٫۱ میلیون نفر گزارش شده است. بدون احتساب دانشجویان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (که جمعا حدود ۱۹۰ هزار دانشجوی است)، حدود ۴۲۰ هزار دانشجو در مقطع کارشناسی (۳۸ درصد)، ۱۹۵ هزار در مقطع ارشد (۳۸ درصد) و ۶۳ هزار نفر در مقطع دکتر (۲۷٫۶ درصد) از کل دانشجویان کشور، در وزارت عتف تحصیل می‌کنند. به عبارتی در سه مقطع تحصیلی دانشگاهی حدود ۶۸۸ هزار دانشجو از ۳٫۱ میلیون دانشجو در کشور در وزارت عتف (حدود ۲۲ درصد از کل دانشجویان) به تحصیل اشتغال دارند. اگر دانشجویان پردیسی و نوبت دوم شهریه پرداز در دانشگاه‌های دولتی معاف از شهریه کسر شود، درصد و تعداد کل دانشجویان بدون پرداخت شهریه در کشور در دانشگاه‌های دولتی حتی کمتر از ۲۲ درصد خواهد شد (۵). لازم به ذکر است درصد کمی از دانشجویان معاف از شهریه در دانشگاه‌های برخوردار تحصیل می‌کنند.

چنانچه اشاره شد، مهم‌ترین نوع عدالت، عدالت آموزشی است که پایداری اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در پی دارد. در نظام آموزشی کشور، پذیرش دانشجو، مبتنی بر عدالت دانشی و نخبگانی است و از طریق آزمون‌های سراسری سازمان سنجش آموزش کشور (کنکور) انجام می‌شود. لازم به ذکر است، در مقایسه با برخی از کشورها (آمریکا)، درصد مناسبی از دانشجویان در ایران با هزینه منابع ملی (دولتی) پذیرش و تحصیل می‌کنند. با توجه به اینکه امکان افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو بدون پرداخت شهریه در کشور روز به روز دشوارتر می‌شود، لذا کاهش دروس و دوره‌ها دانشگاهی در هر سه مقطع با حفظ کیفیت، گامی مهم در راستای

کلیه مقاطع تحصیلی به صورت متمرکز و در قالب آزمون‌های ملی (کنکور) که سوالات از مواد درسی از قبل تعریف و تعیین شده طراحی می‌شود، لذا بازنگری نیز می‌بایست به صورت متمرکز و توسط وزارت علوم با استفاده از خبرگان دانشگاهی صورت پذیرد. به عبارتی، برنامه ریزی درسی دانشگاه محور در نظام آموزش عالی آسیب‌های فراوانی به همراه خواهد داشت (۲). با توجه به پیشرفت‌های شگرفی که در فناوری‌های آموزشی از قبیل هوش مصنوعی و ... به عمل آمده و دامنه و وسعت آن در آینده افزون‌تر خواهد شد، قطعا بازنگری باید مبتنی بر آینده تا نگاه به امروز و دیروز طراحی و تدوین شود. کاهش طول دوره‌ها بدون بازنگری بنیادین در برنامه‌های درسی، تنها به حذف تصادفی دروس منجر خواهد شد و کیفیت آموزش را تضعیف می‌کند. در ایران، سیاست متمرکز پذیرش دانشجو از طریق آزمون‌های ملی، لزوم بازنگری متمرکز و هماهنگ برنامه‌های درسی را تقویت می‌کند. برنامه‌ریزی درسی دانشگاه‌محور که در آن هر دانشگاه به‌صورت مستقل برنامه درسی طراحی می‌کند در نظام آموزش عالی ایران با چالش‌هایی از جمله ناهماهنگی بین مؤسسات و کاهش کیفیت مواجه خواهد شد

۳- عدالت اقتصاد آموزشی

عدالت به معنای توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و حقوق در جامعه است. عدالت اجتماعی زمانی محقق می‌شود که افراد، فارغ از طبقه، جنسیت، قومیت یا موقعیت اقتصادی، به فرصت‌های برابر دسترسی داشته باشند. اقتصاد به ساختار تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات اشاره دارد و سیاست‌های اقتصادی، سطح رفاه اجتماعی، اشتغال، تورم و توزیع ثروت را شکل می‌دهند و یک اقتصاد کارآمد می‌تواند بستر مناسبی برای تحقق عدالت اجتماعی و جامعه پایدار را فراهم کند. آموزش یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتقای مهارت‌ها، آگاهی و توانمندی‌های افراد است و آموزش با کیفیت و در دسترس، نقش بزرگی در کاهش نابرابری‌ها دارد و موتور محرک توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار محسوب می‌شود. میان سه مفهوم عدالت، اقتصاد و آموزش ارتباطی عمیق و چند سویه وجود دارد. آموزش عادلانه، به افراد امکان می‌دهد مهارت کسب کنند و فرصت‌های اقتصادی بهتری داشته باشند. عدالت اقتصادی در آموزش، نابرابری را کاهش می‌دهد. عدالت آموزشی به معنی توزیع برابر امکانات آموزشی، و هرگونه نابرابری در آموزش مستقیماً به نابرابری اقتصادی منجر و ناپایداری جوامع می‌شود. در شرایطی که افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان رایگان روزبه‌روز دشوارتر می‌شود، کاهش طول دوره‌ها با حفظ کیفیت، راهکاری کلیدی برای گسترش عدالت آموزشی محسوب می‌شود.

در دنیای امروز که منابع ملی و طبیعی به شدت در حال کاهش است و عرضه و تقاضا به شدت نامتوازن شده است، سیاست‌ها و

مقاطع محدود است. بنابراین، موضوع کاهش واحدها و دوره‌ها باید به صورت سامانه‌ای، یکپارچه و هم‌زمان در کلیه مقاطع تحصیلی

۶- دلایل دیگر در تبیین کاهش دوره های تحصیلی

۶-۱- تحول فلسفه آموزش از مدرک محوری به مهارت محوری

در دنیای معاصر، ارزش تحصیلات عالی دیگر صرفاً در کسب مدرک تحصیلی نهفته نیست، بلکه در توانایی حل مسئله، تفکر انتقادی، و یادگیری مادام‌العمر جستجو می‌شود. این تحول فلسفی سبب شده است تا نظام‌های آموزشی به سوی دوره‌های کوتاه‌مدت، فشرده و مهارت‌آموزی کاربردی حرکت کنند (۶). در ایران، دانشگاه‌های علمی-کاربردی با رویکردی عمل‌گرا، موفق شده‌اند جذابیت ویژه‌ای در میان دانشجویان دنبال‌کننده اشتغال سریع ایجاد کنند. برنامه درسی این دانشگاه‌ها با ۶۵ تا ۷۰ واحد درسی و مجموع ۱۷۰۰ تا ۲۰۰۰ ساعت آموزشی در مدت ۲ تا ۳ سال قابل اجراست و بر ترکیب آموزش نظری در مرکز و آموزش عملی در محیط کار تأکید دارد. این دوره‌ها به دو روش نیمسالی و پودمانی اجرا می‌شود (۷).

۶-۲- پیشرفت فناوری‌های آموزشی و تغییر سلسله مراتب یادگیری

فرایند آموزش معمولاً در سه سطح انجام می‌شود. آموزش در سطح داده^۱ (اطلاعات خام بدون زمینه) و آن عبارت است از آموزش اعداد، و یا آموزش نام یک پرنده بدون ارتباط با چیزهای دیگر. آموزش در سطح اطلاعات^۲ (داده‌های پردازش شده با معنا) که در این سطح از آموزش، داده‌ها پردازش شده و حقایقی با مفهوم به دست می‌دهد که به توصیف و تعریف داده‌ها می‌پردازند. برای مثال دمای هوا تا ۱۵ درجه افت می‌کند و یا اینکه کلاغ‌ها سیاه رنگ‌اند. آموزش در سطح دانش^۳ (الگوهای تحلیلی پاسخگو به پرسش‌های «چرا»، «چگونه» و «چطور»)، که یک الگو ارائه می‌دهد و سطح آن به مراتب بالاتر از آموزش داده و اطلاعات است تعریف می‌شود. به عنوان مثال، عبارت «اگر رطوبت زیاد باشد و دما افت کند، جو اغلب غیر محتمل است که رطوبت را نگاه دارد و بنابراین باران می‌آید»، نمونه‌ای از آموزش دانش است. برخی از امتیازات دارایی از نوع ثروت دانش یا دانایی، نسبت به سایر دارایی‌ها عبارت است از: ذاتاً غیر رقیب و تمام نشدنی است، ناملموس اما قابل دستکاری است، غیرخطی و نمایی است، به آسانی قابل حمل است، غیرقابل محصور و شیوع پذیراست، قابل ذخیره سازی است، جمع پذیر با سایر دانش‌هاست و الگوپذیر است. به عبارتی گسترش مرزهای دانش، گسترش داده و اطلاعات صرف نیست بلکه علاوه بر تجربیات (دانش و دانایی)، الهامات و دانش ضمیری دانشمند و پژوهشگر موضوع مورد نظر را به تحلیل می‌پردازد. بنابراین آموزش خلاق و مولد به روشی اطلاق می‌شود که اولاً مبتنی بر فرایند

عدالت اقتصاد آموزشی دولتی و خانوارها محسوب می‌شود. چراکه با کاهش دوره‌ها مدت زمان ماند دانشجو در دانشگاه کاهش و بالطبع فرصت بیشتری برای پذیرش دانشجو بدون پرداخت شهریه فراهم می‌شود. به عبارتی با کاهش دوره کارشناسی از ۴ سال به ۳ سال، ۲۵ درصد ظرفیت جدید برای پذیرش دانشجوی بدون پرداخت شهریه فراهم می‌شود. با این حال، این مزیت تنها در صورتی تحقق می‌یابد که کیفیت آموزش و پژوهش لطمه نبیند؛ ظرفیت‌های ایجادشده به دانشجویان رایگان اختصاص یابد؛ و زیرساخت‌های آموزشی و استادی متناسب با افزایش ظرفیت تقویت و اصلاح شوند.

۵- برنامه درسی در نظام آموزشی فعلی در مقطع کارشناسی در کشور

در حال حاضر، دروس دوره های کارشناسی ۱۳۳ واحد می‌باشد که در ۸ ترم یا ۴ سال تحصیلی توزیع می‌شود. با کاهش حدود ۲۷ واحد درسی، تعداد واحدها به ۱۰۶ واحد تقلیل می‌یابد که در طول دوره ۳ سال یا ۶ ترم، هر ترم به طور متوسط ۱۷٫۶ واحد درسی، دانشجویان می‌توانند دانش آموخته شوند. شاید مهم‌ترین سوال این باشد که دروسی که می‌شود حذف یا تعداد واحد آنها را کاهش داد کدام‌اند؟

-دروس اختیاری ۱۲ واحد است. پیشنهاد می‌شود ضمن جایگزینی این دروس با عناوین جدید متناسب با نیازهای روز و آینده، مجموع آن‌ها به سه درس دو واحدی (در مجموع ۶ واحد) تقلیل یابد.

-دروس پایه ۲۲ واحد است. با توجه به تغییرات و اصلاحاتی که در محتوای درسی کتاب‌های دبیرستانی انجام شده است، پیشنهاد می‌شود تعداد واحدهای این بخش به نصف کاهش یابد.

در نتیجه، به‌طور تقریبی و سرانگشتی، از مجموع ۱۳۳ واحد درسی، با بازنگری در سه بخش دروس عمومی، اختیاری و پایه، بیش از ۲۰ واحد درسی کاسته خواهد شد.

لازم به ذکر است که به دلیل عدم رعایت منابع درسی استاندارد بین‌المللی که اغلب آن‌ها در فهرست منابع درسی ملی نیز معرفی شده‌اند، در برخی موارد، دروس تکراری یا دارای همپوشانی بالا، با عناوینی نظیر پیشرفته و یا با پیشوند و پسوندهای مشابه، در مقاطع بالاتر تحصیلی ارائه می‌شوند. به بیان دیگر، چنانچه ارائه دروس در مقطع کارشناسی مطابق با استانداردهای بین‌المللی صورت گیرد، ارائه و تکرار بسیاری از دروس در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی ضرورتی نخواهد داشت؛ کما اینکه در بسیاری از کشورهای اروپایی و سایر کشورها، دوره‌های تحصیلات تکمیلی عمدتاً پژوهش‌محور بوده و تعداد دروس نظری در این

دیگر به‌عنوان یک مدرک شغلی عمومی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه مسیری تخصصی برای تربیت پژوهشگران حرفه‌ای محسوب می‌گردد. در این نظام‌ها، دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری عمدتاً پژوهش‌محور هستند و ارائه دروس نظری گسترده در این مقاطع معمول نیست. این رویکرد، ضمن کوتاه کردن دوره‌ها، تمرکز بر تولید دانش تخصصی را تقویت می‌کند. در ایران، با وجود ارائه دروس تکراری یا با همپوشانی بالا در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری (که در کارشناسی باید پوشش داده شده باشند)، این تحول هنوز به‌طور کامل رخ نداده است.

۶-۶- افزایش انعطاف‌پذیری و مسیرهای جایگزین

در عصر اطلاعات، آموزش در حال حرکت به سمت دوره‌های کوتاه، آموزش برخط، گواهی‌نامه‌های مهارتی و ترکیبی از کار و تحصیل می‌باشد. لذا، در بسیاری از امور و رشته‌ها دانشگاهی، ضرورتی برای ایجاد دوره‌های بلند مدت ۴ سال نمی‌باشد.

۶-۷- چابکی دانشگاه‌ها در برابر فناوری

برخی از رشته‌های دانشگاهی به ویژه فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی و علوم داده با سرعت بالا در حال تغییرند. لذا به منظور همراهی فناوری، برنامه‌های درسی باید کوتاه‌تر و قابل به‌روز رسانی شوند.

۶-۸- تمرکز بر توانمندی‌های قابل انتقال

فلسفه جدید آموزش عالی متمرکز بر تفکر انتقادی، مهارت ارتباطی، مدیریت زمان، خلاقیت و یادگیری مادام‌العمر می‌باشد. لذا برای توانمند سازی، کاهش دوره‌ها جای تامل دارد.

۷- مزایا و چالش‌های کاهش دوره‌های تحصیلی

الف- مزایای احتمالی: افزایش بهره‌وری نظام آموزشی از طریق کاهش هزینه‌های عملیاتی؛ گسترش فرصت‌های تحصیل رایگان برای گروه‌های محروم‌تر (عدالت آموزشی)؛ کاهش فشار اقتصادی بر خانوارها و دولت؛ انطباق سریع‌تر برنامه‌های درسی با تحولات فناورانه؛ تقویت مهارت‌های قابل انتقال (تفکر انتقادی، یادگیری مادام‌العمر).

ب- چالش‌ها و ریسک‌های اجرایی: افت کیفیت آموزشی در صورت حذف دروس بدون تحلیل علمی؛ افزایش بیکاری در صورت عدم همسویی خروجی‌های آموزشی با نیازهای بازار؛ کاهش توانمندی‌های مهارتی دانش‌آموختگان در رشته‌هایی که نیاز به تمرین طولانی‌مدت دارند (مانند پزشکی)؛ کاهش تولید دانش در صورت کوتاه‌شدن بی‌رویه دوره‌های پژوهشی؛ ناهماهنگی بین مقاطع در صورت عدم هماهنگی بازنگری برنامه‌ها در آموزش عمومی و عالی.

آموزش دانش و آموزش در پاسخ به کلمات چرا، چطور، و چگونه بیان شود، ثانیاً روش آموزش از جزء به کل باشد، ثالثاً آموزش به یک الگو و یا مدل منجر شود، و رابعاً علیرغم واگرایی در اجزای سازنده، طی فرایند ترکیب اجزا که توأم با همگرایی است، تنوع و واگرایی در حاصل (محصول) به دست آید و به عبارتی با در دست داشتن یک الگو موارد متعددی خلق و کشف شود (۸). پیشرفت فناوری‌های حوزه آموزش از قبیل هوش مصنوعی نه تنها زمینه آموزش از نوع داده و اطلاعات را منسوخ نموده بلکه برخی از رشته‌های دانشگاهی در آینده جایگاهی در نظام آموزش عالی نخواهند داشت. البته این پیشرفت‌ها و تحولات ضرورت ایجاد رشته‌ها، دروس و سرفصل‌های نو را ایجاد می‌کند. لذا، تحولات و پیشرفت‌ها در فناوری‌های آموزشی، ضرورت بازنگری در روش‌های سنتی آموزش را آشکار ساخته و نشان می‌دهد که آموزش مؤثر باید مبتنی بر پاسخ به پرسش‌های تحلیلی باشد؛ از جزء به کل پیش رود؛ به تولید الگو یا مدل منجر شود، با وجود همگرایی در فرآیند یادگیری، واگرایی در محصول نهایی (خلاقیت) را تقویت کند.

۶-۳- نیازهای بازار کار و سرعت تغییرات فناورانه

بازار کار معاصر با سرعت بی‌سابقه‌ای در حال تحول است؛ مهارت‌هایی که امروز مطلوب هستند، فردا ممکن است منسوخ شوند. این واقعیت، ضرورت ورود سریع‌تر نیروی متخصص به بازار کار را تقویت می‌کند. با این حال، در شرایط ایران که بیش از ۴۰ درصد دانش‌آموختگان با بیکاری مواجه‌اند (۹)، نیاز بازار کار نمی‌تواند شاخص اصلی کاهش دوره‌ها باشد؛ زیرا مهارت‌های مورد نیاز بازار فعلی ایران همواره پیشرو دانشگاه‌ها نبوده است. بنابراین، کاهش دوره‌ها باید بر اساس تحلیل آینده‌نگر نیازهای اقتصادی-اجتماعی طراحی شود، نه صرفاً بر اساس شرایط فعلی بازار.

۶-۴- ملاحظات اقتصادی؛ کاهش هزینه خانوارها و دولت

طولانی‌شدن دوره‌های تحصیلی هزینه‌های مالی قابل توجهی را بر خانوارها و دولت تحمیل می‌کند و ورود نیروی کار به بازار را به تأخیر می‌اندازد. در شرایط کاهش منابع ملی و فشارهای اقتصادی، کاهش دوره‌ها می‌تواند بهره‌وری نظام آموزشی را افزایش دهد. این کاهش هزینه‌ها تنها مربوط به شهریه نیست؛ بلکه شامل هزینه‌های فرصت از دست‌رفته (تأخیر در اشتغال)، هزینه‌های زندگی دانشجویان، و هزینه‌های زیرساختی دولت می‌شود. با این وجود، باید توجه داشت که برخی دانشجویان در ایران به دلیل فرار از سربازی یا بیکاری، عمداً سنوات تحصیلی خود را افزایش می‌دهند؛ پدیده‌ای که مستلزم طراحی مکانیزم‌هایی مانند پرداخت شهریه پس از اتمام مدت استاندارد تحصیل است.

۶-۵- تصحیح نگاه به دکتری از مدرک شغلی به پژوهش تخصصی

در بسیاری از کشورهای پیشرفته، به‌ویژه اروپا، مدرک دکتری

۸- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

فلسفه کاهش دوره‌های تحصیلی در آموزش عالی بر چهار رکن کلیدی استوار است: افزایش بهره‌وری آموزشی از طریق حذف دروس غیرضروری و تکراری؛ تقویت عدالت آموزشی با گسترش دسترسی به تحصیلات رایگان؛ همسویی با تحولات فناورانه و نیازهای آینده بازار کار؛ تغییر فلسفه آموزش از مدرک‌محوری به مهارت‌محوری و یادگیری مادام‌العمر. کاهش دوره تحصیلی باید به شکل سامانه‌ای و مبتنی بر فلسفه و اهداف آموزشی انجام شود و بازنگری برنامه‌های درسی، مقدم بر هرگونه کاهش دوره، لحاظ گردد. در سطح جهانی، کاهش طول دوره‌های تحصیلی یک روند عمومی است. در برخی مناطق، مانند اروپا، این کاهش‌ها در قالب برنامه‌های هماهنگ ملی و منطقه‌ای صورت می‌گیرد، در حالی که در آمریکا و برخی کشورهای شرق آسیا، تصمیم‌گیری‌ها بیشتر محلی و منطقه‌ای است. تجربه جهانی نشان می‌دهد هرکجا سیاست‌گذاری متمرکزتر باشد (اروپا و بسیاری از کشورهای آسیایی)، تغییرات سریع‌تر رخ داده و هرکجا اختیار به مؤسسه‌ها یا ایالت‌ها (استان‌ها) واگذار شود (آمریکا)، تغییرات پراکنده و نوآورانه‌تر است. همچنین، شکل و میزان کاهش دوره‌ها در کشورهای مختلف متفاوت است و این کاهش برای همه رشته‌ها یکسان نیست. در ایران، با توجه به متمرکز بودن پذیرش دانشجویان، کاهش دوره تحصیلی نمی‌تواند به صورت منطقه‌ای یا استانی اجرا شود، هرچند برخی رشته‌ها در برخی دانشگاه‌ها می‌توانند به شکل پایلوت مورد آزمایش قرار گیرند. این موضوع ممکن است ضرورت حذف آزمون‌های متمرکز در مقاطع تحصیلات تکمیلی، به‌ویژه در پذیرش دانشجوی دکتری، و تفویض اختیار پذیرش به دانشگاه‌ها را نیز ایجاب کند. نقش دولت‌ها در حوزه آموزش و پرورش باید برجسته باشد و از رشد شتابان مدارس غیرانتفاعی جلوگیری شود، به‌ویژه با توجه به اینکه شهریه سالانه برخی از این مدارس بیش از چند برابر هزینه تحصیل در یک سال دانشگاه است. کاهش نرخ باروری در ایران به‌عنوان یکی از چالش‌های جمعیتی مهم دهه‌های اخیر، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی و نهادی قرار دارد. در میان این عوامل، افزایش هزینه‌های آموزش، به‌ویژه گسترش مدارس و دانشگاه‌های غیرانتفاعی، به‌عنوان یک متغیر کمتر مورد توجه، اما اثرگذار بر تصمیمات باروری خانوارها مطرح است.

پیشنهادات اجرایی:

- اولویت بازنگری برنامه‌های درسی: هرگونه کاهش دوره باید پس از بازنگری علمی و هماهنگ برنامه‌ها در تمام مقاطع انجام شود.
- رویکرد سامانه‌ای: بازنگری برنامه‌ها باید به‌صورت همزمان در آموزش عمومی و عالی صورت گیرد تا ناهماهنگی‌ها کاهش یابد.

- اجرای آزمایشی (پایلوت): در رشته‌هایی که امکان‌پذیر است، کاهش دوره‌ها به‌صورت آزمایشی در تعداد محدودی دانشگاه اجرا شود.

- تفویض اختیار هدفمند: در مقاطع تحصیلات تکمیلی به‌ویژه دکتری، اختیار پذیرش و طراحی برنامه باید به دانشگاه‌های معتبر واگذار شود تا انعطاف‌پذیری افزایش یابد.

- نظارت بر کیفیت: ایجاد سازوکارهای نظارتی مستقل برای اطمینان از عدم افت کیفیت آموزشی در دوره‌های کوتاه‌شده.

چشم انداز پژوهشی آینده

بررسی کتابخانه‌ای نشان می‌دهد تاکنون هیچ یا کمتر مقاله پژوهشی معتبر و نظام‌مند درباره ضرورت کاهش یا افزایش دوره‌های آموزشی در دانشگاه‌های ایران منتشر شده است. این خلأ پژوهشی در حالی است که تصمیمات کلان و اثرگذار در این حوزه اتخاذ می‌شود، بی‌آنکه پشتوانه‌ای از شواهد علمی و نتایج مطالعات تجربی داشته باشند. به عبارتی در عمل، یا پژوهش‌های مرتبط اساساً انجام نمی‌شوند، یا در صورت انجام، نتایج آن‌ها در فرآیند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. این وضعیت نشان‌دهنده یکی از ضعف‌های اساسی نظام تصمیم‌سازی در اغلب زمینه‌ها و از جمله آموزش در کشور است؛ وضعی که ریشه در فقدان سازوکار مؤثر برای ترجمه دانش و بهره‌گیری هدفمند از نتایج تحقیق و پژوهش در تصمیمات راهبردی دارد. تداوم این رویکرد می‌تواند به اتخاذ سیاست‌هایی منجر شود که نه تنها کارآمدی نظام آموزش عالی را افزایش نمی‌دهند، بلکه پیامدهای بلندمدت و پرهزینه‌ای برای کیفیت آموزش و سرمایه انسانی کشور به همراه خواهند داشت. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های تجربی در موارد زیر انجام شود:

- تحلیل تطبیقی تأثیر کاهش دوره‌ها بر اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان در کشورهای مختلف از جمله در ایران؛

- مطالعه موردی موفقیت‌ها و شکست‌های اجرای سیاست کاهش دوره در دانشگاه‌های اروپایی؛

- طراحی مدل ریاضی برای بهینه‌سازی طول دوره‌ها با در نظر گرفتن متغیرهای کیفیت، هزینه و عدالت آموزشی.

تقدیر و تشکر

از همکار محترم جناب آقای دکتر اسماعیل جعفری دانشیار برنامه ریزی درسی و عضو محترم هیات علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی که حوصله به خرج دادند و پیش‌نویس مقاله را بدقت مطالعه و نکات ارزنده‌ای در جهت ارتقای کیفی آن ارائه فرمودند، کمال امتنان و تشکر را دارم.

منابع

1. Schaller, M. D., & Barbier, M. (2021). FastTrack, a strategy to shorten time to degree. *FASEB BioAdvances*, 3(7),482-489.: <https://doi.org/10.1096/fba.2020-00144>
- ۲- رضا نوروزی زاده و کورش فتحی واجارگاه. «درآمدی بر برنامه ریزی درسی دانشگاهی»، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۷.
3. UN Adopts New Global Goals, Charting Sustainable Development for People and Planet by 2030. UN News Centre (25 September 2015): <http://go.nature.com/asLH5h>.
4. Transforming Our World: The 2030 Agenda for Sustainable Development (UN, 2015); <http://go.nature.com/po6vaj>.
- ۵- احمد شعبانی ۱۴۰۳ «بررسی عملکرد برنامه ششم توسعه در حوزه آموزش عالی»، نشریه نشاء علم، سال پانزدهم، شماره اول، صفحات ۱۶-۱.
6. Wlodkowski, R. J. (2003). Accelerated learning in colleges and universities. *New Directions for Adult and Continuing Education*, 2003(97),5-16.: <https://doi.org/10.1002/ace.84>
7. <https://dec.uast.ac.ir/file/download/regulation/673c4eae1a1b-0bakhsh.08.pdf?language=fa&subdomain=dec>
- ۸- احمد شعبانی، ۱۳۹۸ «خلاقیت و اکتشاف» نشریه نشاء علم»، سال نهم، شماره دوم، ص ۶۲-۵۴.
- ۹- احمد شعبانی، ۱۳۹۵ «بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی و مهاجرت مغزها» نشریه نشاء علم»، سال هفتم، شماره اول، صفحات ۱۵-۶.